

## مصاحبه " بولتن کارگری ایران " با منصور اسالو

سایت سندیکای کارگران واحد

بیست هفتم اردیبهشت هشتاد و شش

مصاحبه با منصور اسالو در گفتگو با " بولتن کارگری ایران " : تا مرز خفه شدن گلویم را فشردند ... بر سر من می کوبیدند و می گفتند: بند و بساطت را جمع کن و از این جا برو.

### روشنگری

مصاحبه با منصور اسالو که در اینجا ملاحظه می کنید، در بولتن کارگری ایران درج شده است. این بولتن به زبان انگلیسی منتشر می شود و اساسا به بازتاب اخبار کارگری ایران در سطح بین المللی اختصاص دارد. این نشریه اینترنتی توسط گروهی از جوانان تهیه میشود که سن متوسط آنها حدود ۲۰ سال است و برخی از آنها در خارج از کشور متولد شده اند. فکر انتشار چنین نشریه ای با آغاز موج حرکت جدید مستقل کارگری در ایران و بطور مشخص حرکت سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی در آنها شکل گرفت. استقلال بولتن و عدم وابستگی به منابع قدرت، مثل استقلال خود جنبش کارگری برای این جوانان از اهمیت درجه اول برخوردار است. علاوه بر پیوند های عاطفی با مسایل مردم زحمتکش ایران، عامل دیگری که این جوانان را به انتشار چنین نشریه علاقمند کرده است، مشاهده نقش روزمره و مداوم مطالبات و مبارزات کارگری این کشورهای اروپایی در گسترش دموکراسی و آزادی و رفع ستم از گروه های ضعیف است. از این رو آنها تصمیم گرفتند نشریه ای منتشر کنند که بطور اخص بر مبارزات کارگران ایران متمرکز باشد و اخبار آنرا به زبان انگلیسی در سطح بین المللی بازتاب دهد. تاکنون ۱۲ شماره از این بولتن منتشر شده است. دوازدهمین شماره حاوی مصاحبه ای با منصور اسالو، دبیر سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، گزارش کاملی در باره دستگیری محمود صالحی، اخبار جنبش معلمان و مطالب دیگر است.

از آنجا که این بولتن مستقل کارگری به زبان انگلیسی منتشر میشود و مطالب آن میتواند مورد استفاده کسانی قرار گیرد که برای بازتاب اخبار کارگری ایران و جلب حمایت بین المللی از مبارزات مستقل کارگران ایران به متون انگلیسی نیاز دارند، ما بعد از انتشار هر شماره آن را در بخش انگلیسی سایت منتشر می کنیم. مصاحبه با منصور اسالو که در آخرین شماره این بولتن درج شده، در نشانی زیر آمده است:

<http://www.iranianworkersbulletin.org/IWB/Issues/NEWS12.pdf>

اولین سؤال ام از آقای اسالو با تشکر از شما که دعوت ما را برای مصاحبه با بولتن اخبار کارگری ایران - پذیرفتید شما این است:

۱- سندیکای شما در جمع‌بندی شماره ۱ و ۲ خود، گفته است؛ "خط فقر ۴۰۰ هزار تومان - اعلام شده است، در حالیکه حداقل دستمزد ماهیانه کارگران ۱۸۳ هزار تومان در ماه تصویب شده است. در همانجا آمده در سال گذشته نرخ رسمی تورم ۱۵٪ و نرخ غیر رسمی تورم که به زندگی واقعی نزدیک است ۵۰٪ اعلام شده است، همچنین هزینه اجاره مسکن نزدیک به ۴۰٪ افزایش داشته و قیمت زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ بیش از ۵۰٪ رشد را نشان می‌دهد." با توجه به این داده‌های آماری، کارگران چگونه قادر به تامین هزینه‌های زندگی‌شان خواهند شد و این که این مسئله چه تاثیری بر مبارزات جاری و تشکل‌یابی آن‌ها میگذارد و اصولاً امیدی به بهبود وضع اقتصادی کارگران وجود دارد؟

کارگران مجبورند دو یا سه شغل داشته باشند، اضافه کاری بکنند، همسران آنها مجبور شده‌اند به عرصه کار بیایند، فرزندان آنها مجبور به ترک تحصیل شده‌اند و کاری کنند. به دلیل گران شدن و حشمتناک هزینه مسکن مجبور شده‌اند به حاشیه‌های شهرها و شهرک‌های اطراف تهران تا فاصله یکصد کیلومتری عقب نشینی کنند و خیلی از آنها در آن محل‌های دور دست مستأجر شده‌اند. این مسأله باعث شده است که آنها فرصت کمتری برای مبارزات و فعالیت سندیکایی داشته باشند. اما چون طعم شیرین دانش و مبارزه متحد و سندیکایی را دریافت کرده‌اند و حقوق کارکنان شرکت واحد حداقل ۳۰٪ افزایش یافته است و آن ناشی از تلاش‌های سندیکا بوده است، راهی را که یافته‌اند، رها نمیکنند. اصولاً همیشه امیدواری به بهبود شرایط هست، بستگی به میزان دانش و آگاهی ما و تلاش و کوشش و پیگیری و پایداری و شناخت شرایط و موقعیت و تحلیل درست از شرایط و موقعیت و نحوه سازماندهی و میزان علاقه مندی ما به کاری که انجام می‌دهیم دارد. میزان عشق ما به کاری که انجام می‌دهیم در میزان امید ما مؤثر است!

۲- همان طور که میدانید در سال گذشته (۱۳۸۵)، چند هزار حرکت مطالباتی و اعتراضی کارگری در کشور گزارش شده که اکثر آن‌ها برای دریافت حقوق و دستمزد های عقب افتاده (بین دو ماه تا دو سال) و حق اشتغال بوده است. به نظر شما در کشور ثروتمندی مانند ایران چرا دستمزد های صد ها هزار نفر از کارگران به موقع پرداخت نمی‌شود و اشتغال کارگران مدام در معرض تهدید است؟ منظورم این است که چرا غم نان و کار، کمر کارگر بی پناه ایرانی را خم کرده است و اصولاً چرا مراجع قانونی در کشور از این بی‌حقی عمومی کارگران دفاع نمی‌کنند؟

علت اصلی تمامی این بی‌سامانی‌ها، نبود سندیکاها و فدراسیون‌های کارگری است. عدم وجود تشکیلات کارگری و کلاً نهادهای مدنی دموکراتیک چنین وضعیتی را برای کارگران به وجود می‌آورد. غم نان و کار بدلیل بی‌توجهی صاحبان قدرت و ثروت تجاری و دلالان و واسطه‌های کالاهای وارداتی و کسانی که هیچ ارزشی برای استقلال اقتصادی و تولید و صنعت قائل نیستند به وجود می‌آید. موانع بسیار زیاد در تولید و سازماندهی بوروکراتیک ضد دولتی و بی‌درو پیکری واردات کالاها به صورت قاچاق و غیرقاچاق آفت زندگی کارگران و تولید کنندگان شده است. مراجع قانونی زمانی در برابر موضوعی عکس العمل نشان میدهند که نیرویی از کف جامعه برای آن موضوع ایجاد شده و خواهان حقوق مربوط به آن موضوع باشد. نمونه تلاش‌های سندیکای ما در راه ایفای حق و حقوق کارگران

شرکت واحد و حضور نمایندگان سندیکا در مراتب مختلف مبارزه سندیکایی به تدریج حرکت در جهت موازین قانونی را در برخی از برخوردهای کارفرما و مسئولین ایجاد کرده است. پیگیری و پایداری بر موارد قانون و حق کم کم در بخش هایی از مدیریت قوه مجریه و قضایی تأثیر گذاشته است. مهم ایجاد تشکل ها و سندیکاهای کارگری است که با پشتوانه تاریخی جهانی و استفاده از تجربیات برادران و خواهران خود در دیگر کشورها می تواند موضع گیری در برابر بی حقی ها را ایجاد و تشدید کند.

۳- بخش های مهمی از صنایع کشور از جمله؛ نساجی، کفش، سراجی و لاستیک سازی و غیره به علت ورود بی رویه و قاچاق کالاها ی خارجی توسط بعضی از نهادهای دولتی، بنیاد ها و به ویژه آقازاده ها و بازاریان ، دچار بحران و ورشکستگی کامل، حتی منجر به تعطیلی بخش های وسیعی از این صنایع شده است. به طوری که واردات کالا ها طی سال گذشته بنا به گزارش سندیکای شما از مرز ۴۶ میلیارد دلار گذشته است. به نظر شما چرا از صنایع داخلی حمایت نمیشود، درحالیکه در موارد زیادی این صنایع هم سود آور است و هم اشتغالزا می باشند؟

زمانی که ابزار قدرت سیاسی در جهت دستیابی به سودهای میلیاردی به واسطه بدست آوردن کمیسیونها و پورسانت های کلان بدون هیچ نظارتی و در زمان نبودن تشکیلات سندیکاهای کارگری در ابعاد کارگاه تا سطح ملی مثل فدراسیون سندیکایی کارگری سراسری سرمایه موجود به آسانی برای کسب سود بی دردسرو زودرس به سمت سرمایه گذاری تجاری و واردات کالا و دلالی بین المللی حرکت می کند. تصمیم گیری اصلی در جاهایی خارج از چهارچوب های ظاهری پارلمان و دولت گرفته می شود و راه های ورود کالا هموار میشود و قوانین تصویب شده نهایتاً به سود سرمایه تجاری - دلالی به کار گرفته میشود و ابزارهای ثروت و قدرت غیرقانونی تنها سود را جستجو می کند، در نتیجه به دلیل نداشتن سازماندهی اجتماعی زحمتکشان و کارگران، سیاستها به سوی هموار کردن راه ورود کالاها حرکت می کنند. ایجاد اشتغال تبدیل به یک شعار بدون عمل میشود. نتیجه واردات بی حساب و کتاب، از میدان بیرون کردن صنایع تولیدی میشود. یکی از سیاست ها هم ممکن است این باشد که با در پیش گرفتن این سیاست ها، طبقه کارگر ایران از آخرین امتیازات خود محروم شود و مجبور شود با روزی کمتر از یک دلار نیروی کارش را بفروشد.

۴- روز شنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۸۵ در شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب اولین جلسه محاکمه شما به جرم به اصطلاح " اقدام علیه امنیت ملی و اختلال در نظم عمومی" انجام شد. چرا شما که یک کارگر و فعال سندیکائی هستید باید در دادگاه انقلاب محاکمه شوید؟ آیا دادگاه انقلاب اساساً هنوز طبق قانون اساسی مشروعیت قانونی دارند؟ و پرونده یک کارگر فعال ارتباطی به دادگاه انقلاب پیدا می کند؟

به دلیل آنکه تشکیل سندیکای کارگری منافع غیرقانونی مدیران و حراستی ها و شورایی های اسلامی را در شرکت واحد به خطر میاندازد و با آموزش قانون کار و قانون اساسی و مقابله نامه های بین المللی و حقوق کارگری، کارگران با دانش حقوقی و قانونی جلوی اجحافات و زورگویی های کارفرما و عوامل او را میگیرند و با نظارت آگاهانه جلوی رانت خواری مدیران گرفته میشود. مدیران شرکت واحد از دوران شهردار شدن آقای احمدی نژاد از گروه نظامی

ها و سپاه پاسداران هستند، آنها به رفتار پادگانی و زورگویانه عادت دارند و از قوانین و حقوق کارگری و روابط کارگری و کارفرمایی بی اطلاع هستند.

وقتی با پدیده قانونی و قانونمدار و آموزگار سندیکا روبه رو میشوند و به تدریج متوجه می شوند که در شرکت واحد دیگر نمی توانند امکانات عمومی و بیت المال را در جهت منافع شخصی و خصوصی خودشان به کار گیرند، پس با کمک گرفتن از همفکران و هم باندی های خود در خانه کارگر، شورای تأمین استان و نهایتاً برخی از عوامل اطلاعات دست به پرونده سازی بر علیه رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد میزنند و با هماهنگی به عمل آمده بین آنها و عوامل امنیتی، انتظامی، اطلاعاتی برای از میان برداشتن سندیکای کارگران و باز کردن میدان بهره برداری شخصی خودشان از امکانات عمومی، هزینه سنگینی را به کارگران و من به عنوان نماینده راستین آنها و کشور اعمال میکنند. و چون دادگاه های عمومی بارها اعضای سندیکا را میرا از هر جرمی دانستند دست به پرونده سازی در دادگاه انقلاب زدند.

اساساً دادگاه انقلاب مشروعیت قانونی مطابق قانون اساسی ندارد و در شرایط بحرانی آغاز انقلاب با حکم امام خمینی ایجاد شد و ایشان در اواخر عمر دستور داده بودند کلیه موارد خلاف قانون اساسی به چهارچوب قانون اساسی برگردد. پرونده یک کارگر فعال سندیکایی کارگری هیچ ربطی به دادگاه انقلاب و وزارت اطلاعات ندارد. اما هماهنگی های پشت پرده مدیران سپاهی شرکت واحد و دیگر همراهان آنها در دیگر نهادهای امنیتی برای جلوگیری و ممانعت از حق و حقوق کارگران پرونده یک نماینده کارگری را به دادگاه انقلاب می کشانند!

۵- چرا در ایران دفاع از حقوق کارگران و یا دفاع از تشکیل سندیکای مستقل برای شما هزینه ای مساوی با به اصطلاح، اقدام علیه امنیت ملی و اخلاف در نظم عمومی کشور، در برداشته و حالا دارند شما را به این "جرم" موهوم محاکمه میکنند؟ منظورم این است که یک سندیکای مستقل و صنفی مانند سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه، منافع چه کسانی را مورد حمله قرار می دهد که دادگاه انقلاب شمشیر از رو می بندد و به حمایت از آن ها وارد گود می شود؟

بدلیل آنکه متأسفانه در کشور ما عده ای ناآگاهانه و عده ای برای حفظ منافع فردی و باندی خود فریاد حق طلبی کارگری ما را با اتهامات بیهوده و تکراری که در لایحه دفاعیات وکلای بنده کاملاً مردود اعلام شده است و موارد قانونی بسیاری برای رد این اتهامات آمده است و این اتهامات مثل تبلیغ علیه نظام و اخلاف در امنیت داخلی کشور دیگری معنا و تکراری شده است و آنقدر این اتهامات را به هر تلاشگر اجتماعی، سیاسی، زنان، دانشجویان، روزنامه نگاران، نویسندگان، خبرنگاران، اساتید دانشگاه و دیگر شهروندانی که حرفی برای گفتن داشته اند زده اند، که دیگر نخ نماوی معنای شده است و اُبَهِت و بار معنایی واقعی خود را از دست داده است و این ظلم درباره قانون و مواد قانونیست. در تمام محاکمه من که شبیه بازجویی دوران زندان بود حتی یک سند معتبر دال بر اثبات چنین اتهاماتی وجود نداشت و موضوع بیشتر استنباطی و نوعی تفتیش عقاید بود مسلماً سندیکای کارگران شرکت واحد به منافع نا به حق همان شورایی های اسلامی و مدیران و مسئولان غیر پاسخ گو و قانون گریز صدمه زده و در جهت دفاع از حقوق عمومی کارگران شرکت واحد عمل کرده است که آن مدیران و دادگاه انقلاب به هم پیوند خورده اند.

۶- اولین جلسه دادگاه شما با پرونده ای بالغ بر ۱۲۰۰ صفحه تشکیل شد، شما که فضای اولین جلسه دادگاه را شاهد بودید و همچنین در روند تشکیل این پرونده نیز هستید، آیا به نظر شما تشکیل این پرونده، فضای دادگاههای عادی و بالاخره رای نهایی دادگاه در مورد شما، آیا می تواند بدون نقطه نظرهای سیاسی و امنیتی باشد و آیا خورد حسابهای از قدیم جمع شده که بنظر می رسد در تمام صفحات ۱۲۰۰ صفحه ای جای پایی محکم و جدی دارند، عمل می کنند یا نه و چگونه؟

همه اش پرونده سازی است مثل پرونده های بسیاری دیگر که طی سالها در مطبوعات و رسانه ها اعلام شده است. نقطه نظر سیاسی بازتاب یک نقطه نظر اقتصادی کلان است، کسانی از وجود سندیکاهای کارگری احساس خطر میکنند، که مجبور میشوند پاسخگو شوند، چنین پرونده ای را بر پایه فشارهای روحی روانی و زندان و انفرادی و تهدید و ارباب تولید میکنند تا با ایجاد رعب و وحشت و با تکیه بر مواردی از زندگی خصوصی و روابط دوستانه خانوادگی افراد که ربطی به مسائل سیاسی ندارند، تلاشگران عرصه سندیکا را از تلاش صنفی و اجتماعی خویش بازگردانند. شاهد مثال اصلی آن صدها تن از همکاران من میباشدند که از آنها خواسته اند تعهد بدهند فعالیت سندیکایی نکنند تا آنها را از زندان آزاد کنند یا آنها را به سر کار برگردانند و خود من بیشترین فشارها را تحمل کردم و انواع بازجویی ها را پس دادم تا از راهی که رفته ام بترسم و دیگر فعالیت سندیکایی نکنم و همکاران و دوستان ۲۰ ساله خود را نبینم. و دریکماه بازداشت دوم خودم از ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۵ تا ۲۹ آذر ۱۳۸۵ تنها چیزی که از من میخواستند این بود که از هیأت مدیره سندیکا استعفا بدهم. یازده شب انفرادی را از سر گذراندم در خیابان و داخل ماشین مأمورین اطلاعاتی ده ها مشت به سرو صورت و بدن من کوبیده شد، با دستمال گردن تا مرز خفه شدن گلیم را فشردند.

شخصی به نام اثنی عشری سروان نیروی انتظامی در قسمت مبارزه با مواد مخدر ( ازروی کارت شناسائی که یک سال پیش از او دیده بودم) رهبری چنین عملیاتی را بر علیه من داشت. کت من را پاره کردند و روی سر من کشیدند، با مشت هایی که انگشترهای عقیق درشت روی انگشت های آنان بود بر سر من می کوبیدند و می گفتند: بند و بساطت را جمع کن و از این جا برو. همه این ها برای ایجاد ترس و وحشت در من و خانواده ام بود تا از سندیکا استعفا بدهم!

۷- سندیکای شما چه انتظاراتی از خواهران و برادران کارگر خود در سایر کشورها و اتحادیه ها و تشکل هاو سایر سازمان های بین المللی کارگری و حقوقدانان مترقی دارد؟ اصولا چگونه میشود، حمایت و همبستگی بین المللی را به نفع جنبش های کارگری کشورهای پیرامونی و از جمله کارگران کشور ایران سازمان داد؟

همانطور که سرمایه جهانی است، تلاش برای حفظ حقوق کارگران نیز یک امر جهانی است. خواهران و برادران ما در اتحادیه ها و تشکل های کارگری جهانی میتوانند با خبررسانی از امور کارگری ما و تلاشهای ما به دیگر کارگران جهان در کشورهای خودشان و در بین مردم کشور و صنوف خودشان می توانند جوّ حمایتی به سود ما ایجاد کنند. می توانند به سفارتخانه های کشور ایران در همه کشورها مراجعه کنند و پشتیبانی و همبستگی خود را نسبت به کارگران شرکت واحد و سندیکای آنها اعلام کنند. سازمان های بین المللی کارگری و حقوقدانان مترقی می توانند در مراجع جهانی مثل " آی ال او" و " یو ان" و شورای جهانی دفاع از حقوق بشر موارد نقض حقوق بشر و حقوق کارگری ما

را طرح و با نامه نویسی به مسئولان حکومتی ایران خواهان رعایت قوانین بین الملل و انسانی و حقوق بشری درباره کارگران ایرانی خصوصاً کارگران سندیکایی شرکت واحد شوند. می توانند خواهان آمدن پرونده ایران به روی میز " آی ال او" شوند و از مقامات ایران توضیحاتی پیرامون شرایط سرکوب و اخراج و زندانی کردن و محاکمات غیر کارگران شرکت واحد و از ایران بخواهند اگر ایران عضو " یو ان " . " آی ال او" هست باید موازین اعلامیه قانونی جهانی حقوق بشر، مقاله نامه های بین المللی کار به خصوص مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ و دو منشور ملل متحد و حقوق اتحادیه ای را رعایت کند. بیشترین حمایت از کارگران کشورهای پیرامون به این دلیل باید صورت پذیرد که اگر سطح دستمزدها در کشورهای پیرامون آنقدر پایین باشد سرمایه جهانی صنایع خود را به کشورهای پیرامون منتقل می کند و کارگران کشورهای مونوپول (اروپایی، آمریکای شمالی و استرالیایی) دچار اخراج و بی کاری می شوند.

با فشار به دولت ها و حکومت های این کشورها و برگزاری کلاس ها، کنگره ها و اعزام نماینده و بازرسی برای تحقیق امور کارگری و آموزش حقوقی - سندیکایی کارگران کشورهای پیرامونی و حمایت های حقوقی و مالی از سندیکاهای نوپای آنها مثل ما میتوان از آنها حمایت کرد.

با سپاس از شما منصور اسالور رئیس هیات مدیره

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه